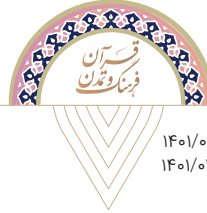


بررسی تطبیقی تأثیرپذیری ملا حسین کاشفی از آیات قرآن کریم در مقتل نویسی (روضه الشهداء)



دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۲
پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۸

مقاله پژوهشی

10.22034/JKSL.2022.343409.1100

سید مهدی طباطبایی*
مهران اسماعیلی**
محمد مهدی باباپور***
محمد حاجی تقی****

چکیده

قرآن کریم بر نقل قصه و بیان سرگذشت انبیا و امام گذشته بسیار تأکید می‌کند. بهره‌وری از این ظرفیت بخصوص در تألیف و تحلیل حوادث تاریخی از جمله در قیام امام حسین علیه السلام، امری لازم و ضروری است. ملا حسین کاشفی از معدود افرادی است که هنگام بیان وقایع قیام امام حسین علیه السلام از آیات بسیاری بهره جسته و در این باره بسیار ماهرانه و با ظرافت خاصی، ضمن استناد به آیاتی از قرآن، درصدد تحلیل و بررسی قیام عاشورا برآمده است. شاید بتوان ادعا کرد در میان مقتل نویسسان، کسی به اندازه کاشفی - که از علمای اهل سنت است- این‌گونه به مقتل نگاری روی نیاورده و در مواردی هنگام تطبیق و بیان شأن نزول آیات، دیدگاهی را برگزیده که مطابق دیدگاه شیعیان است. نوشته‌ی حاضر به کیفیت و روش کاشفی در بررسی و تحلیل وقایع عاشورا با استناد به آیات پرداخته و در پی پاسخ به چرایی و چگونگی استناد کاشفی به آیات است. در پرتو بررسی که صورت گرفت این نتیجه بدست آمد که انتخاب نوع آیات و تحلیل و بررسی که کاشفی در مورد آیات انجام داده، به نوعی بازگو کننده‌ی افکار و اعتقادات درونی کاشفی در مورد بحق بودن قیام عاشورا، عدم مشروعیت بخشی و طعنه زدن به حکومت بنی امیه و لزوم احترام و اکرام اهل بیت علیهم السلام است و هدف کاشفی از ضمیمه کردن آیات به گزارش‌های تاریخی، تفسیر، توضیح و تأیید یا نقد و بررسی یک گزارش است

واژگان کلیدی: قرآن، آیات، امام حسین علیه السلام، مقتل کاشفی (روضه الشهداء)، اهل بیت علیهم السلام

*. نویسنده مسئول؛ دانشجوی دکتری مدرسی معارف، گرایش تاریخ و تمدن اسلامی، دانشکده الهیات و ادیان دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران
tabatabaiym@yahoo.com
**. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشکده الهیات و ادیان دانشگاه شهید بهشتی ایران
me_esmaeili@sbu.ac.ir
***. عضو هیئت علمی گروه فقه سیاسی دانشکده ادبیات و ادیان دانشگاه شهید بهشتی ایران
m_babapour@sbu.ac.ir
****. استادیار گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی ایران
m_hajtaghi@sbu.ac.ir

مقدمه

قرآن کریم، کتاب هدایت و زندگی است. در این کتاب الهی، قصص، پند و اندرزهای بسیار فراوانی وجود دارد که بهترین نقشه راه برای کسانی است که خواهان رسیدن به مقصود هستند. نوع بهره‌وری و استفاده از آیات قرآن کریم در ابلاغ و رساندن این پیام‌ها باید با ظرافت و دقت بسیار زیادی طرح و بررسی شود. از جمله کسانی که در این رابطه تا اندازه‌ای موفق بوده و توانسته ذیل بیان کتاب مقتل الحسین، از این شیوه نهایت استفاده را با دقت و ظرافت خاصی انجام دهد، «ملا حسین کاشفی» است. او که از جمله متبحرترین دانشمندان سنی مذهب قرن نهم هجری (گوهری فخرآباد، ۱۳۹۹: ۶۷) به شمار می‌رود دارای تألیفات متعددی است که در میان جامعه‌ی شیعه «روضه الشهداء»ی او که درباره‌ی واقعه‌ی کربلاست، بسیار مشهور و معروف است. این کتاب به دلیل آن‌که نویسنده‌ی آن شیعه نیست و از طرفی پرداختن به واقعه‌ای که دیدگاه‌های مختلف در میان مذاهب اسلامی در رابطه با آن وجود دارد، بسیار حائز اهمیت بوده و به همین دلیل تاکنون شرح، تفسیرها و نقدهای متفاوتی در مورد آن به رشته‌ی تحریر در آمده است. نویسنده‌ی این مقاله در صدد است، با استفاده از روش مطالعه کتابخانه‌ای و تطبیق اسنادی، چگونگی استناد به آیات قرآن کریم توسط نویسنده در کتاب را مورد واکاوی قرار دهد. از آن‌جا که تحلیل و بررسی تمام آیات مورد استفاده‌ی کاشفی در این مقاله امکان ندارد، تنها به بخشی از مهم‌ترین آیات پرداخته شده که دارای تحلیل تاریخی بوده یا کاشفی ذیل آن‌ها دیدگاهی را مطرح کرده که نیازمند بررسی است.

بیان مسئله

روضه الشهداءی کاشفی، بی‌شک یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین مقتل‌ها درباره قیام عاشورا است که در طول تاریخ به رشته‌ی تحریر درآمده است. هر چند نویسنده به بیان برخی مورخان و استناد برخی از نوشته‌های وی، شیعه نبوده و پیرو مذهب اهل تسنن است، ولی در این کتاب سعی کرده رعایت انصاف را داشته و مطالب تاریخی را با استفاده از آیات و روایات بیان کند. این که در ادامه‌ی این کتاب که به بیان واقعه‌ی عاشورا پرداخته، ابتلائات انبیا آورده شده، خود بیان‌گر قداست و به حق بودن واقعه‌ی عاشورا از طرف مورخ سنی مذهب می‌باشد. همچنین استناد به آیاتی در مورد شخص پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ، و بیان ویژگی‌های خاص منحصر به فرد ایشان که از طرف خداوند اعطا



شده، رگه‌هایی از اعتقادات شیعه‌گری نویسنده را مطرح می‌سازد هرچند در این موارد خالی از خطا و لغزش نبوده ولی سعی کرده برخی از اعتقادات درونی خود را در قالب مقتل نویسی با استفاده از آیات و روایات بیان نماید. به همین دلیل روضه الشهداء را می‌توان جزو مقالاتی به حساب آورد که گرچه نویسنده‌ی آن فردی سنی مذهب است، ولی در رعایت انصاف کوشش کرده و در این زمینه نیز موفقیت‌هایی داشته است.

در این مقاله سعی شده استنادات قرآنی نویسنده را در قالب دسته‌بندی‌های مختلف مطرح کنیم و در بعضی موارد با شیوه تطبیقی کوشیده‌ایم انگیزه‌ی نویسنده و گرایش او به دیگر مورخان و مفسران اسلامی را تبیین نموده و از این بررسی تطبیقی به کیفیت مقتل نویسی و همچنین برخی از گرایش‌های اعتقادی نویسنده دست یابیم.

پیشینه پژوهش

با بررسی‌های انجام شده مشخص گردید در مورد این موضوع تحقیقی صورت نگرفته، هر چند در مورد شخص کاشفی و آثار وی تحقیقات متعددی انجام شده است، از جمله: کتاب «زمانه، زندگی، و کارنامه ملا حسین کاشفی» (گوهری فخر آباد: ۱۳۹۹): در این کتاب زندگی‌نامه و دوران حیات ملا حسین کاشفی با بررسی تألیفات او و بخصوص روضه الشهداء نگارش شده ولی به بررسی تطبیقی آیات استفاده شده در روضه الشهداء پرداخته نشده است.

مقاله «بررسی و نقد روایت‌نگاره‌ها و گزاره‌های متفرد عاشورایی در روضه الشهداء کاشفی» (محسن رفعت و دیگران، ۱۳۹۸): در این اثر گزارش‌های تاریخی متفردی که کاشفی نقل کرده مورد بررسی قرار گرفته اما به آیات پرداخته نشده است، همان‌گونه که در سایر منابع نیز به آیات مورد استفاده کاشفی اشاره‌ای نشده است.

مقاله «واکاوی اندیشه سیاسی - مذهبی ملاحسین واعظ کاشفی (۹۱۰-۸۲۰ ق.ه)» (علی امینی زاده و محمدعلی رنجبر، ۱۳۹۶): در این مقاله نیز اندیشه‌های سیاسی کاشفی مورد بررسی قرار گرفته و هر چند نوع نگاه کاشفی به خلافت خلفای راشیدی و بنی امیه نیز به همان دیدگاه سیاسی باز می‌گردد، اما در عمل از آیات مورد استناد کاشفی هیچ استفاده‌ای در تحلیل این دو حکومت نشده است.

ضرورت پژوهش

نوع و کیفیت تلفیق آیات با گزارش‌های تاریخی و همچنین کیفیت استفاده از آیات در

بیان باورهای درونی و اعتقادی کاشفی به عنوان یک مورخ سنی مذهب، گویای اهمیت و ضرورت انجام این تحقیق برای ارائه‌ی یک الگوی مناسب نگارش است و هدف از انجام این تحقیق بیان کاربردی بودن و تأثیرگذاری این شیوه در نوع نگارش متون است.

استنادات قرآنی مقتل کاشفی

نویسنده در نگارش این کتاب سعی کرده با استنادات قرآنی واقعه‌ی عاشورا را تبیین کند که این مهم را می‌توان در قالب چهار عنوان تقسیم کرد:

واقعه عاشورا تداوم حرکت انبیا

ملا حسین کاشفی در ابتدای کتاب در بیان واقعه‌ی عاشورا سعی کرده داستان ابتلای انبیای الهی به مصائب را تبیین کند و در واقع با استفاده از آیات قرآن کریم و برخی روایات - که تعدادی از آن خبر واحد است و در جای دیگری نمی‌توان آن را یافت - سعی در تحلیل و تفسیر این واقعه دارد.

کاشفی سیر تاریخی روضه الشهداء را از بیان و شرح زندگی پیامبران با استناد به آیات قرآن شروع کرده است. وی ابتدا داستان هیوط آدم و حوا از بهشت (بقره: ؛ کاشفی، ۱۳۸۲: ۲۸) را ذکر کرده؛ سپس به بیان قصه‌ی حضرت نوح علیه السلام و سختی‌هایی که در راه دین کشید پرداخته و در نهایت به مغلوب بودن خود اعتراف می‌کند و از خداوند طلب یاری می‌نماید (قمر: ۱۰؛ کاشفی: ۳۶). طرح داستان حضرت ابراهیم علیه السلام و امتحان‌های سخت او از جمله بریدن سر فرزند، داخل شدن در آتش و دوری از وسوسه‌های شیطان، بهترین مقدمه برای طرح مقتل الحسین است (صافات: ۱۰۲ و ۱۰۶؛ انبیاء: ۶۹. کاشفی، ۴۱ و ۴۵ و ۴۶). نوع مصیبت‌هایی که یوسف پیامبر علیه السلام متحمل شد، مانند طرد شدن از میان برادران و تبعید اجباری و نیز غم و اندوهی که حضرت یعقوب علیه السلام در فراق یوسف کشید و از فرط گریه منجر به سفید شدن چشمانش شد، نیز این گونه القا می‌کند که کاروان حسینی به بخشی از این مصائب گرفتار می‌شوند (یوسف: ۳ و ۱۵ و ۸۴؛ انبیاء: ۸۲؛ کاشفی، ۱۳۸۲: ۵۳ و ۶۰ و ۶۶ و ۷۹). در نهایت، کاشفی به بیان خاتم الانبیا بودن پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اشاره کرده و با استناد به آیاتی از قرآن، درصدد طبیعی جلوه دادن رحلت ایشان و بیان پایان همه‌ی انسان‌هاست که باید از دنیا بروند (احزاب: ۴۰؛ الرحمن: ۲۶؛ زمر: ۴۰؛ انبیاء: ۳۴؛ سجده: ۱۱؛ انبیاء: ۳۴؛ آل عمران: ۱۸۰؛ کاشفی، ۱۳۸۲: ۱۲۵ و ۱۲۶).

عدم مشروعیت حکومت بنی امیه

دومین موضوع مهم در مقتل کاشفی، بیان عدم مشروعیت حکومت بنی امیه است. این موضوع با توجه به سنی مذهب بودن نویسنده، و احترام خاصی که برای خلفای سه گانه قائل است از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود. نویسنده برای آن که بتواند عقاید خود را نسبت به بنی امیه اظهار دارد، در ضمن روایاتی که در تفسیر برخی آیات آمده، نظر خود را بیان داشته است به گونه‌ای که در بیان صلح امام حسن علیه السلام در جواب وی به شخصی که به صلح حضرت اعتراض کرده بود می‌نویسد: «امام حسن فرمود: خدای تعالی ملک بنی امیه را به رسول «صلوات الله و سلامه علیه» نشان داد. دید ایشان را که به منبر وی بالا می‌روند یکی بعد از دیگری، این معنی بر آن حضرت دشوار آمد خدای تعالی سوره‌ی «إِنَّا أَغْطَيْنَاكَ الْكُوْتِرَ»^۱ به وی فرستاد، یعنی تو را جویی عطا کردیم در بهشت که آن را «کوثر» گویند: و دیگر سوره‌ی «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»^۲ نازل گردانید و فرمود که لیلة القدر بهتر است از هزار ماه، و مراد به ألف شهر ملک بنی امیه است.» (کاشفی، ۱۳۸۲: ۲۲۷-۲۲۸)

در ظاهر این ادعای کاشفی برگرفته از گزارشی است که توسط برخی چون علی بن ابراهیم قمی (۳۲۹ق)، خطیب بغدادی (۴۶۳ق)، ابن عساکر (۵۷۱ق) و سیوطی (۹۱۱ق) ذیل تفسیر سوره‌ی قدر این‌گونه بیان شده است: پیامبر صلی الله علیه و آله در خواب دید بنی امیه بر منبر آن حضرت هستند، به همین جهت ناراحت شد. خداوند به وی وحی کرد: این مدت حکومتی است که آن‌ها دارند. در این هنگام سوره قدر نازل شد و بیان کرد شب قدر بهتر از هزار ماهی است که بنی امیه حکومت می‌کنند (قمی، ۱۳۸۷، ج ۲: خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۸: ۲۷۵؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵، ۵۷؛ سیوطی، بی تا، ج ۶: ۳۷۱).

فضائل اهل بیت علیهم السلام

ملا حسین کاشفی در خلال مقتل نویسی، به سوره‌ها و آیاتی از قرآن کریم اشاره دارد که شأن نزول آن در خصوص اهل بیت علیهم السلام می‌باشد. در این زمینه در جایی به صورت مستقیم نظر خود را در مورد اهل بیت بیان کرده و در برخی مواقع نیز با موضوعی به صورت غیر مستقیم مواضع مربوط به اهل بیت را تأیید کرده است. در ادامه به برخی از این آیات اشاره می‌شود:

۱. سوره کوثر:۱.

۲. سوره قدر:۱.

۳-۱. آیه تطهیر

آیه‌ی تطهیر از جمله مهم‌ترین آیاتی است که برای اثبات عصمت و بزرگی اهل بیت به آن استناد شده است. کاشفی در دو جای کتاب خود ضمن بیان گزارشی به آیه‌ی تطهیر استناد کرده است. کاشفی در روایتی که از همسر پیامبر بیان می‌کند می‌نویسد: «و از عایشه به صحت رسیده که گفت: بیرون رفت پیغمبر ﷺ و بر وی کسای بود از پشم. حسن پیش آمد، وی را در زیر آن کسا درآورد و حسین بیامد، او را نیز جای داد؛ علی و فاطمه بیامدند، ایشان را نیز در آن کسا درآورد پس جبرئیل آمد و آیه‌ی تطهیر را آورد که بیان‌گر آن است که جز این نیست که خدا می‌خواهد ببرد از شما رجس را ای اهل بیت و پاکیزه گرداند شما را پاکیزه گردانیدنی و در شأن این چهار کس فرمود که: «أنا حرب لمن حاربکم و سلم لمن سالمکم»^۲ ملخص این معنی آن است که من حرب کنم با کسی که با ایشان حرب کند و صلح دارم با کسی که با ایشان صلح دارد» (کاشفی، ۱۳۸۲، ۱۵۸).

در جای دیگر نیز کاشفی گزارشی این‌چنینی را نقل کرده است: «خواجه ابو نصر محمد پارسا «قدّس سرّه» در فصل الخطاب همین نقل آورده و فرموده که مناقب آن کسانی که پاره‌ای از پیغمبر ﷺ باشند و خدای تعالی درباره‌ی ایشان فرموده باشد «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُم تَطْهِيراً» کی به پایان رسد. کان دریا را کناره چون پیدا نیست» (کاشفی، ۱۳۸۲، ۲۵۱).

میان شیعه و اهل سنت در تعیین مصدق «اهل بیت» اختلاف نظر وجود دارد، شیعه بر اساس گزارش‌های روایی و تاریخی بر این باور است: این آیه در شأن پنج تن آل عبا نازل شده است (قمی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۹۳؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰، ۳۳۲؛ شیخ مفید، ۱۴۲۴، ۴۱۰؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۹، ج ۸: ۳۳۹)؛ همان‌گونه که در منابع روایی و تاریخی اهل سنت نیز بزرگانی همچون ابن ابی شیبّه (۲۳۵ق) و مسلم نیشابوری (۲۶۱ق) همین مطلب را از عایشه (ابن ابی شیبّه، ۱۴۰۹، ج ۷: ۵۰۱؛ مسلم نیشابوری، بی تا، ۷: ۱۳۰) و بسیاری دیگر چون ترمذی (۲۷۹ق)، دلابی (۳۱۰ق)، طبرانی (۳۶۰ق) و حاکم نیشابوری (۴۵ق) از ام سلمه نقل کردند (ترمذی، ۱۴۰۳، ج ۵: ۳۰؛ حاکم نیشابوری، بی تا، ج ۲: ۴۱۶؛ دلابی، ۱۴۰۷: ۱۴۹). اما در برخی منابع تفسیری اهل سنت همانند جصاص (۲۷۰ق)، ابن ابی حاتم (۳۲۷ق)، ثعلبی (۴۲۷ق)، واحدی نیشابوری (۴۶۸ق)، سمعانی (۴۸۹ق) و نسفی (۵۳۷ق) تصریح شده است: این آیه

۱. «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُم تَطْهِيراً» (احزاب: ۳۳)

۲. کشف الغمه: ۲۹۷



در مورد همسران پیامبر نازل شده و مراد از اهل بیت، همان ازواج نبی هستند (جصاص، ۱۴۱۵، ج ۳: ۴۷۱؛ ابن ابی حاتم رازی، ج ۹: ۳۱۳۲؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۸: ۳۶؛ واحدی نیشابوری، ۱۳۸۸، ۲۳۹؛ سمعانی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۴۴۴ و ج ۴: ۲۸۰؛ نفسی، بی تا، ۳: ۳۰۵). از همین روی ابوالفرج (۴۲۵ق) نیز ذیل این آیه تصریح دارد: مراد از اهل رجل، همان همسر اوست (راغب اصفهانی، ۱۴۲۶: ۹۶).

با وجود آن که طبق نظر مشهور،^۱ کاشفی از علمای اهل سنت است،^۲ اما در تعیین مصداق «اهل بیت» گزارشی که مطابق باور و اعتقاد شیعه و برخی روایان اهل سنت است را برگزیده و آن گزارشی که همسران پیامبر را مصداق «اهل بیت» می‌داند، نپذیرفته است.

۳-۲. آیه اکمال دین

از منظر کاشفی آیهی اکمال دین در عرفات و در حجة الوداع نازل شده است. هر چند گزارش دیگری مبنی بر آن که این آیه در غدیر خم نازل شده نیز گزارش کرده است. کاشفی در این باره تصریح دارد: «در سال دهم از هجرت که آن حضرت حجة الوداع ادا فرمود، در روز عرفه، در ساحت عرفات این آیه فرود آمد. «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ»؛ امروز

۱. در مقابل نظر مشهور، برخی کاشفی را شیعه دانسته و ادله‌ای برای مدعای خود از جمله این موارد را بیان کردند، الف) نامش حسین، نام پدر و فرزندش علی است. ب) خانواده‌ی او اجازه‌ی روایت داشته و نام آن‌ها در سلسله سند کتاب صحیفه‌الرضا آورده شده است. ج) وی متولد سبزوار، شهری که به عنوان یکی از شهرهای شیعه‌نشین مطرح بوده است می‌باشد (رومیر، ۱۳۸۰: ۱۴۳). د) کاشفی در مورد اهل بیت آثار مهمی از جمله فتوت‌نامه سلطانی (کاشفی، ۱۳۵۰: ۱۳۶) و روضه‌الشهدا را در مناقب خانواده‌ی رسالت و اهل بیت پیامبر ﷺ تألیف کرده است. همین موارد باعث شده برخی چون قاضی نورالله شوشتری در «مجالس المؤمنین» تصریح به تشیع وی کند (شوشتری، ۱۳۶۵، ج ۱: ۵۴۸). برخی دیگر چون بوداق منشی قزوینی، از منشیان و دیوانیان دولت صفویه، از کاشفی با عنوان «مولانا حسین شیعه کاشفی» یاد کرده است (منشی قزوینی، ۱۳۷۹: ۱۱۳). برخی دیگر کاشفی را سنی تفضیلی و متشیع دانسته‌اند (جعفریان، ۱۳۸۷: دفتر اول و دوم، ۱۷۵-۱۷۸).

۲. برخی برای اثبات سنی بودن کاشفی به ادله‌ای استناد کرده‌اند از جمله الف) سکونت در هرات که سنی نشین بودند. ب) ارتباط روحانی و باطنی کاشفی با پیر طریقت نقشبندیه سعدالدین کاشغری و نزدیکی با امیر علی‌شیر نوائی (یک سنی متعصب حنفی). ج) گزارش فخرالدین علی کاشفی (۹۳۹ق) مبنی بر ملازمت همیشگی پدرش با جامی و داخل شدن در فرقه‌ی صوفیانه‌ی سنی مذهب نقشبندیه به واسطه‌ی او. (کاشفی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۲۵۲). د) مشابهت سبک نگارش کاشفی با آثار اهل سنت از جمله «جواهرالتفسیر» و «مواهب علیه» (افندی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۸۶). ه) معرفی کردن مذهب حنفی به عنوان مذهب برتر (کاشفی، ۱۳۷۹: ۸۴). و) داشتن مواضع ضد شیعی شاگردان و علاقه‌مندان کاشفی. (جعفریان، ۱۳۸۷: دفتر اول و دوم، ۱۷۵-۱۷۸. نظامی، ۱۳۸۳: ۱۴۸ به بعد.) ز) نگاه احترام‌آمیز کاشفی به خلفای راشدین، صحابه و علمای اهل سنت و استفاده‌ی فراوان از روایت‌های مخصوص اهل سنت در آثارش از جمله ادله‌ای است که برای اثبات سنی بودن کاشفی بدان استناد شده است (کاشفی، ۱۳۶۲: ۲۹۴).

دین شما را برای شما کامل گردانیدم، «وَأَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي»؛ و نعمت‌های خود را بر شما تمام ساختم» (مائده: ۳). پیامبر ﷺ از مضمون این آیه دریافت که زمان رحلت وی فرا رسیده است، لذا در خطبه‌ای که خواند فرمود: مناسک و احکام حج را از من فراگیرید، شاید سال دیگر در میان شما نباشم» (کاشفی، ۱۳۸۲: ۲۴۳ و ۲۴۴).

در مورد آیه‌ی اکمال دین در منابع کهن، دو دیدگاه مشهور شیعی و سنی طرح شده است؛ بر اساس گزارش طیالسی (۲۰۴ق)، حمیدی (۲۱۹ق)، ابن حنبل (۲۴۱ق)، بخاری (۲۵۶ق)، مسلم نیشابوری (۲۶۱ق)، ترمذی (۲۷۹ق)، نسائی (۳۰۳ق) و بیهقی (۴۵۸ق) که از بزرگان اهل سنت هستند، آیه اکمال دین، جمعه و روز عرفه نازل شد (طیالسی، بی تا: ۳۵۳؛ حمیدی، ۱۴۰۹، ج: ۱۹؛ ابن حنبل، بی تا، ج: ۱: ۲۸ و ۳۹؛ بخاری، ۱۴۰۱، ج: ۸: ۱۳۷ و ۱۳۸. مسلم نیشابوری، بی تا، ج: ۸: ۲۳۸ و ۲۳۹؛ ترمذی، ۱۴۰۳، ج: ۴: ۳۱۶؛ نسائی، ۱۴۱۱، ج: ۸: ۱۱۴؛ بیهقی، بی تا، ج: ۳: ۱۸۱ و ج: ۵: ۱۱۸). در مقابل، در منابع معتبر شیعی تصریح شده است: آیه اکمال دین در هجدهم ذی الحجه (شیخ صدوق، ۱۴۱۷: ۵۰؛ شیخ مفید، ۱۴۱۴، ۳۷؛ فتال نیشابوری، بی تا: ۳۵۰؛ ابن مغازلی، ۱۴۲۶: ۳۷) و روز پنج شنبه (ابن سلیمان کوفی، ۱۴۱۴، ج: ۲: ۴۳۴. طبری، بی تا، ۴۶۸)، در غدیر خم (مغربی، بی تا، ج: ۱: ۱۰۵؛ ابن بطریق، ۱۴۰۷: ۱۰۶) و هنگام بازگشت پیامبر ﷺ از حجة الوداع نازل شد (شیخ صدوق، ۱۴۱۷: ۵۰. کلینی، ۱۳۶۳، ج: ۸: ۲۷. شیخ مفید، ۱۴۱۴، ۳۷). لازم به ذکر است علی‌رغم آن‌که کاشفی داستان غدیر خم و خطبه پیامبر ﷺ را مطرح می‌کند، اما سخنی از نزول این آیه به میان نیاورده است (کاشفی، ۱۳۸۲، ۲۴۳ و ۲۴۴).

آن‌چه از فحوای گزارش کاشفی در مورد این آیه بر می‌آید این است که اولاً تصریح دارد این آیه مربوط به حجه الوداع پیامبر است و تأکید بر بیان این آیه در مقتل نویسی، خود حائز اهمیت است و ثانیاً سعی کرده در مورد تفسیر آیه که اکثر مورخان و مفسران شیعه مربوط به جانشینی حضرت علی ﷺ می‌دانند، سخنی به میان نیاورد و فقط به رحلت پیامبر اشاره کند.

۳-۳. تطبیق لَوْلُو و مرجان

یکی دیگر از آیاتی که کاشفی بدان استناد کرده، آیه ۲۲ سوره‌ی الرحمن است. وی در این باره می‌نویسد: در صحایف آثار و لطایف اخبار آمده: روزی پیامبر ﷺ نشست بود و حسن و حسین کنار آن حضرت بودند. «ندانم تا کنار خواجه را عدن گویم که پر دَر و مرجان بود یا آن را چمن خوانم که پر گل و ریحان بود. اگر عدن گویم پر دَر و مرجان رواست «يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْلُوُّ وَالْمَرْجَانُ» (الرحمن: ۲۲) مراد حسن و حسین‌اند. اگر چمن



خوانم پرگل و ریحان سزاست «هما ریحاتای من الدنیا» (کاشفی، ۱۳۸۲: ۵۲).

کاشفی با ظرافت و نهایت دقت، ضمن استفاده از برخی آیات و روایت، به توصیف امام حسن و سید الشهدا علیهما السلام پرداخته است. لؤلؤ و مرجان بر گرفته از آیه قرآن است و قمی (۳۲۹ق)، فرات کوفی (۳۵۲ق)، ثعالبی (۴۲۷ق)، طبرسی (۵۴۸ق)، حسکانی (قرن پنجم) و ابن بطریق (۶۰۰ق) در تأویل این آیه گفته‌اند: «مَرَجُ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ ... يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَ الْمَرْجَانُ» (الرحمن: ۱۹ و ۲۲) مراد از دو دریا حضرت علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام است و مراد از لؤلؤ و مرجان حسن و حسین هستند (قمی، ۱۳۸۷، ج: ۲، ۳۴۴؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۴۵۹ و ۴۶۰. ثعلبی، ۱۴۲۲، ج: ۹، ۱۸۲؛ ابن بطریق، ۱۴۱۷، ۲۱۲؛ مناوی، ۱۴۱۵، ج: ۲، ۱۰۲). نکته‌ی دیگر آن‌که کاشفی با بهره‌گیری از حدیث مشهور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «الحسن و الحسین هما ریحاتان فی الجنة» (سمعانی، ۱۴۰۸، ج: ۳، ۴۷۶؛ اربلی، ۱۳۸۱، ج: ۲، ۲۷۲)، از امام حسن و حسین علیهما السلام به ریحانه توصیف کرده است و کاشفی در این گزارش، هم از آیه استفاده کرده و هم از لفظ «ریحانه» که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مورد حسنین بکار بردند.

در گزارش دیگری کاشفی باز مصداق «لؤلؤ و مرجان» را امام حسن علیه السلام و سید الشهدا علیهما السلام دانسته و در این باره می‌گوید: «کتاب روح الارواح تصریح دارد: عجب سربست که معدن فتوت با بضعه نبوت قرین شد و دو دُر شاهوار پدید آمد که یخرج منهما اللؤلؤ و المرجان اُنعی حسنین هر یکی میراث پدری برداشتند پدر بزرگ‌تر، حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم بود به اثر زهر از عالم رحلت فرمود و پدر دیگر که علی مرتضی علیه السلام بود، به ضرب تیغ توجه به سفر آخرت نمود؛ حسن علیه السلام هم که فرزند بزرگ‌تر بود به اتفاق حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم شربت زهر چشید. حسین علیه السلام فرزند دیگر کُهر بود به موافقت مرتضی علیه السلام زخم تیغ کشید» (کاشفی، ۱۳۸۲، ۱۳۴).

در این گزارش نیز لؤلؤ و مرجان به دو فرزند حضرت علی علیه السلام تطبیق داده شده و کاشفی در این‌جا در مورد شهادت و از دنیا رفتن آن‌ها نیز به زیبایی تشبیهی میان رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام حسن علیه السلام و نیز شهادت حضرت علی علیه السلام با امام حسین علیه السلام انجام داده است. استناد کاشفی به این آیات و نوع تفسیری که بیان می‌کند گویای محبت او به اهل بیت علیهم السلام و تلاش برای معرفی آن‌ها به جامعه‌ی اسلامی با استناد به آیات قرآنی بوده است.

واقعه کربلا

کاشفی هنگام بیان حوادث قیام امام حسین علیه السلام در موارد متعددی گزارش‌هایی را نقل کرده که در آن، آیاتی از قرآن را مورد تمسک قرار داده و در اینجا مواردی از آن طرح و بررسی می‌شود:

۴-۱. تفال به قرآن

کاشفی گزارشی را این‌گونه نقل کرده است: هنگامی که نامه مسلم به امام حسین علیه السلام در مورد بیعت بیست هزار نفری کوفیان با مسلم بن عقیل، به امام رسید، آن حضرت قصد رفتن به کوفه را کرد. در این میان شماری از صحابه و فرزندان آن‌ها، با این حرکت امام موافق نبوده و نزد وی رفته و وی را از انجام این سفر برحذر کردند. عبدالله بن عباس از جمله کسانی بود که با رفتن امام به کوفه مخالفت کرد، از همین روی نزد امام رفت و از عهد شکنی مردم کوفه و این‌که آن‌ها پدر آن حضرت را به شهادت رسانده و برادرش را زخمی و خیمه‌اش را غارت کردند سخن گفت؛ اما امام همچنان بر رفتن به کوفه اصرار داشت. در این موقع ابن عباس گفت: هنوز والی یزید در کوفه است؛ اگر مردم کوفه وی را از شهر اخراج و حکومت را به دست گرفتند، راهی آن‌جا شو و اگر چنین نکردند مرو که باید با لشکر یزید وارد جنگ شوی. امام علیه السلام در پاسخ ابن عباس فرمود: در این سخت‌اندیشه کرده و فردا پاسخ تو را خواهم داد. بعد از رفتن ابن عباس، امام حسین علیه السلام برای رفتن به کوفه از قرآن فال گشود و این آیه آمد: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (آل عمران: ۱۸۵) پس امام در پاسخ ابن عباس گفت: سرنوشت خود را به تقدیر الهی سپردم و چاره‌ای جز رفتن ندارم (کاشفی، ۱۳۸۲، ۳۱۳).

این گزارش کاشفی از دو جهت قابل تأمل است، زیرا در منابع کهن که توسط ابومخنف (۱۵۷ق)، ابن اعثم (۳۱۴ق)، ابن جوزی (۵۹۷ق) و ابن اثیر (۶۳۰ق) نقل شده، این‌گونه تصریح شده است: وقتی امام حسین علیه السلام پاسخ ابن عباس را داد، سخن از «استخیر الله» به میان آورد (ابومخنف، ۱۳۶۴: ۶۴؛ ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۵: ۶۵ و ۶۶؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۵: ۳۲۸؛ ابن اثیر، ۱۳۸۶، ج ۴: ۳۷)، اما تا جایی که بررسی شد این گزارش کاشفی که امام به قرآن تفال زد و آیه‌ی «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» آمد، در جایی از منابع کهن و معتبر یافت نشد و مشخص نیست کاشفی با استناد به کدام منبع این گزارش را این‌گونه نقل کرده است.

۴-۲. قرآن خواندن سر امام حسین علیه السلام

داستان سر مبارک امام حسین علیه السلام یکی از مهم‌ترین موضوعات کربلاست و قرآن خواندن



سر آن حضرت بر نیزه، در همین رابطه قابل بررسی است. کاشفی در مورد قرآن خواندن سر امام گزارشی را این‌گونه نقل کرده است: «در شواهد از زید بن ارقم نقل کرده، که چون سر امام حسین علیه السلام را در کوچه‌های کوفه می‌گردانیدند، من در غرفه‌ی خانه خود بودم؛ چون در برابر من رسید از سر وی شنیدم که می‌خواند، «أُمِّ حَسْبَتٍ أَنْ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَ الرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا» (کهف: ۹) از هیبت این حال، مو بر اعضای من برخاست، ندا کردم که و الله این سریست یا بن رسول الله، امر تو عجب‌تر است و عجیب‌تر» (کاشفی، ۱۳۸۲، ۴۵۴) و همین گزارش توسط شیخ مفید (۴۱۳ق)، ابن حاتم (۶۶۴ق) و اربلی (۶۹۳ق) نقل شده است (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ج: ۲، ۱۱۷ و ۱۱۸؛ ابن حاتم، بی تا، ۵۶۱؛ اربلی، ۱۳۸۱، ج: ۲، ۲۷۹).

بر خلاف گزارش بالا که سر امام آیه را در کوفه خواند، برخی چون ابن عساکر (۵۷۱ق)، قطب راوندی (۵۷۳ق)، ابن حاتم (۶۶۴ق) و صالحی شامی (۹۴۲ق) به نقل از منهال بن عمرو، محل این واقعه را شام معرفی کرده و تصریح دارند: مردی جلوی سر امام حسین علیه السلام سوره کهف را می‌خواند و هنگامی که به آیه‌ی «أُمِّ حَسْبَتٍ أَنْ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَ الرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا» (کهف: ۹) رسید، سر حسین علیه السلام به اذن خدا و با زبان فصیح گفت: داستان کشتن و حمل سر من از داستان اصحاب کهف شگفت‌انگیزتر است (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج: ۶، ۳۷۰؛ راوندی، ۱۴۰۹، ج: ۲، ۵۷۷؛ ابن حاتم، بی تا، ۵۶۵؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴، ج: ۱۱، ۷۶).

اما برخی چون ابن سلیمان کوفی (ح ۳۰۰ق) به نقل از منهال بن عمرو بر این باور است که سر امام حسین علیه السلام در دمشق آیه «أُمِّ حَسْبَتٍ أَنْ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَ الرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا» (کهف: ۹) را خواند (ابن سلیمان کوفی، ۱۴۱۲، ج: ۲، ۲۶۷) و برخی دیگر چون ابن حمزه طوسی (۵۶۰ق) به نقل از منهال بن عمرو گزارش کردند: سر حسین روی نیزه، سوره‌ی کهف را با زبانی فصیح خواند و هنگامی که به آیه «أُمِّ حَسْبَتٍ أَنْ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَ الرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا» رسید (کهف: ۹)، مردی گفت: این عمل از سر تو بسیار عجیب است ای فرزند رسول خدا (ابن حمزه طوسی، ۱۴۱۲: ۳۳۴).

کاشفی در جای دیگر از کتاب خود بیان می‌کند: وقتی سر امام به کوفه رسید، شخصی شنید که سر امام آیه‌ی «وَ لَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ» (ابراهیم: ۴۲) را تلاوت می‌کند (کاشفی، ۱۳۸۲: ۴۵۴) یا آن‌که کاشفی به نقل از یحیی حرانی که یهودی بود گزارش می‌کند: وقتی یحیی سر امام حسین علیه السلام را دید، متوجه تکان خوردن لب‌های آن حضرت شد؛ پس نزدیک رفت و شنید که می‌گوید: «وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ

يَنْقَلِبُونَ» (شعراء: ۲۲۷). هنگامی که یحیی متوجه شد، سر، متعلق به امام حسین علیه السلام است، مسلمان شد و صله و هدایایی زیادی را به امام سجاد علیه السلام دادند (کاشفی، ۱۳۸۲: ۴۵۷). اما تا جایی که بررسی شد این دو گزارش در مورد قرائت دو آیه توسط سر امام حسین علیه السلام، در منابع کهن و معتبر یافت نشد، افزون بر آن که مسلمان شدن یحیی حرانی و دادن صله به امام سجاد علیه السلام که در قید و بند و اسارت بود، نه در منابع نقل شده و نه با عقل سازگاری دارد.

۴-۳. توصیف اصحاب

در فحوای گزارش تاریخی واقعه‌ی کربلا در مقتل کاشفی، برخی از آیات قرآن کریم در مورد اصحاب و یاران امام حسین علیه السلام بیان شده که بعضی از آن‌ها به قلم نویسنده در رسای رشادت‌های شهادی کربلاست. به گونه‌ای که نویسنده در بیان شهادت زهیر بن حسان اسدی می‌نویسد: «زهیر دهان بر هم می‌زد چنان‌چه کسی چیزی آشامد، آن‌گه نفسی زد و طوطی روحش به شکرستان یرزقون فرحین پرواز نمود (کاشفی، ۱۳۸۲: ۳۵۸). همچنین در وصف وهب بن عبدالله کلبی می‌نویسد: «او جوانی بود زیبا روی به نیکو خوی، با رخساره‌ای چون ماه، و موی مانند سنبل‌تر و مشک سیاه، نقشبند قدرت به قلم «و صَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ» نقش روی او برکشیده و بر لوح «فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» ۲ چهره‌گشایی کرده». و در شهادت عمرو بن خالد و پسرش بیان می‌کند: بعد از محاربه‌ی بسیار و قتل جمعی از فِسَاقِ فَجَّارٍ، متوجّه ریاض «جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» ۳ شد (همان: ۲۶۷) و همچنین در شهادت هلال بن نافع او را به بهشت وعده می‌دهد (همان: ۳۷۲).

در واقع ملا حسین کاشفی در ذکر شهادت یاران امام حسین سعی کرده با تمثیل‌های مختلف قرآنی و استفاده از آیات، روح حماسه، جهاد و حق طلبی این واقعه‌ی عظیم را مطرح کند و از طرفی گرایش‌های اعتقادی خود مبنی بر الهی بودن این حرکت عظیم را تبیین نماید.

نتیجه‌گیری

از بررسی مجموع گزارش‌هایی که در متن مقاله با محوریت گزارش‌های کاشفی ذکر شد، این نکات بدست می‌آید:

۱. کاشفی در نگارش مقتل الحسین، در موارد مختلف از آیات قرآن استفاده کرده و این، یکی از تأثیرگذارترین نوع نگارش است، چرا که در موارد مختلف، فرد می‌تواند آیات قطعی‌الصدور را ضمیمه گزارش‌های تاریخی ظنی‌الصدور کرده و با تلفیق این دو گزارش، یک حقیقت و روح واحد تاریخی را بدست آورد.

۲. نگاه تاریخی کاشفی به نقل حوادث و قصص قرآنی از حضرت آدم علیه السلام شروع و به رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ختم می‌گردد. در این رابطه کاشفی در برخی موارد نوع و تحلیل و تفسیر خاصی از آیات ارائه داده که به نظر در نوع خود کم نظیر و از یک عالم سنی کم توقع است که این‌گونه گزارش‌های تاریخی را برگزیند.

۳. با توجه به نوع انتخاب آیه و گزارشی که کاشفی انتخاب کرده، می‌توان دیدگاه او را نسبت به برخی وقایع تاریخی بدست آورد، از جمله در مورد نزول آیه‌ی اکمال دین در عرفه و انتخاب این گزارش، گویای آن است که کاشفی در مورد غدیر خم، به دیدگاه شیعه باوری ندارد و به نوعی خواهان مشروعیت بخشی به خلفای اهل سنت است؛ از سوی دیگر با تفسیری که در مورد مصادیق آیه‌ی تطهیر بیان کرده، یا این‌که مراد از لؤلؤ و مرجان امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام هستند، می‌توان نوع علاقه و محبتی که به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله دارد را بدست آورد؛ یا در مورد تفسیر و تأویلی که برای آیه‌ی سوره قدر بیان کرده و این‌که بنی‌امیه مطرود پیامبر صلی الله علیه و آله بودند، گویای آن است که کاشفی به حکومت بنی‌امیه مشروعیت نمی‌بخشد و آن‌ها را ستمگرانی می‌داند که مورد لعن و نفرین قرار گرفتند.

۴. کاشفی در بیان رشادت‌های اصحاب امام حسین علیه السلام در واقعه‌ی عاشورا، از برخی آیات قرآن کریم در توصیف ایشان بهره برده که این امر بیان‌گر قداست این واقعه‌ی مهم و تمامی شرکت‌کنندگان در کنار امام حسین علیه السلام در نظر وی به عنوان یک فقیه و مورخ اهل سنت است.

پی نوشت

برخی از آیات استفاده شده در روضه الشهداء و موارد استفاده از آن

آیه	سوره و شماره آیه	مورد استفاده	شماره صفحه در روضه الشهداء
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ	حمد: ۱	تولد امام زمان (عج)	۵۲۰
يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَ هُوَ خَادِعُهُمْ	بقره: ۹۰	گفتگوی ابن عباس با امام حسین <small>علیه السلام</small>	۲۶۲
إِهْبِطُوا مِنْهُ	بقره: ۳۵	هبوط حضرت آدم	۲۸
إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ	بقره: ۱۵۶	دستگیری امام حسین در مدینه	۲۵۲
و الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً	بقره: ۲۷۴	نزول در مورد حضرت علی <small>علیه السلام</small>	۱۹۷
فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا	آل عمران: ۸	تولد امام حسین <small>علیه السلام</small>	۲۴۳
وَ اللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ	آل عمران: ۱۳	شان حضرت علی <small>علیه السلام</small>	۲۰۵
فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ	آل عمران: ۳۱	توصیف مسلم بن عقیل	۲۶۷
إِنِّي أُعِيدُهَا بَكَ وَ ذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ	آل عمران: ۳۶	ازدواج حضرت علی با حضرت زهرا (س)	۱۶۷
إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ	آل عمران: ۳۷	طعام بهشتی برای حضرت فاطمه (س)	۱۷۳
الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ	آل عمران: ۱۳۴	حلم و صبر امام حسین <small>علیه السلام</small>	۲۵۰
وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ	آل عمران: ۱۴۶	سخن امام حسین <small>علیه السلام</small>	۳۴۶
كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ	آل عمران: ۱۸۰	حتمی بودن مرگ	۱۲۶
كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ	آل عمران: ۱۸۵	۱۲۶ و ۱۸۴ و ۲۵۱	
وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرَارِ	آل عمران: ۱۹۸	وصیت امام حسن <small>علیه السلام</small>	۲۴۰
إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا	نساء: ۷۶	کید زنان	۲۳۱
أَيُّنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكْكُمُ الْمَوْتُ	نساء: ۷۸	سخن حضرت علی اکبر	۳۲۱



۲۱۵	زبان حال حضرت علی <small>علیه السلام</small> هنگام شهادت	نساء: ۷۹	كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا
۴۱	حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small>	مائده: ۱	يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ يُحْكِمُ مَا يَرِيدُ
۱۳۰ و ۱۲۶	نزول آیه در عرفات	مائده: ۳	الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي
۴۹۴	مجازات قاتلان کربلا	مائده: ۷	وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ
۲۶۷	توصیف مسلم بن عقیل	مائده: ۵۴	يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
۱۲۵	بی اعتباری دنیا	انعام: ۹۴	لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ
۲۰۵		انفال: ۱۹	فَقَدْ جَاءَكُمْ الْفَتْحُ
۳۵۸ و ۳۲۱	سخن حضرت علی اکبر و شهادت زهیر بن قین	توبه: ۹	يَرْزُقُونَ فَرِحِينَ
۲۶۷	توصیف مسلم بن عقیل	توبه: ۷۳	جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ
۱۷۳	شهادت حضرت فاطمه (س)	یونس: ۲۵	وَ اللَّهُ يَدْعُوا إِلَى دَارِ السَّلَامِ
۵۳	داستان یوسف نبی <small>علیه السلام</small>	یوسف: ۳	نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ
۶۰	داستان یوسف <small>علیه السلام</small>	یوسف: ۱۵	وَ اجْمَعُوا أَنْ يَجْعَلُوهُ فِي غِيَابَتِ الْجُبِّ
۲۳۱	کید زنان	یوسف: ۲۸	إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ
۶۶	حضرت یعقوب در فراق یوسف	یوسف: ۸۴	وَ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزَنِ
۲۶۷	شهادت عمرو بن خالد و فرزندش	ابراهیم: ۱۴	جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
۴۵۴	قرآن خواندن سر امام حسین <small>علیه السلام</small>	ابراهیم: ۴۲	وَ لَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ
۲۶۷	توصیف مسلم بن عقیل	حجر: ۹۴	وَأَعْرَضَ عَنِ الْمُشْرِكِينَ
۴۸۲	خطبه امام سجاد <small>علیه السلام</small>	اسراء: ۱	سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى
۹۱	نماز شب	اسراء: ۷۹	وَ مِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدُ
۵۱۹	آیه هک شده بر بازوی امام زمان (عج)	اسراء: ۸۱	فُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا

۴۵۴	قرآن خواند سر امام حسین <small>علیه السلام</small>	کهف: ۹	أَمْ حَسِبْتُمْ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا
۸۰	امتحان حضرت زکریا و یحیی	مریم: ۶	فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرْتَدِّي
۵۴	حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small>	مریم: ۵۴	إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ
۵۲۰	امام زمان (عج)	طه: ۷	فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَ أَخْفَى
۱۲۶ و ۱۲۵	بی اعتباری دنیا	انبیاء: ۳۴	وَ مَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ أَ فَإِنَّ مِنْتَ فَهُمُ الْخَالِدُونَ
۵۱۹ و ۴۱	حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small> و دستور العمل امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>	انبیاء: ۶۹	يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ
۷۹	حضرت ایوب <small>علیه السلام</small>	انبیاء: ۸۳	أَنِّي مَسَّنِي الضُّرُّ
۲۴۲	جزای قاتل امام حسن <small>علیه السلام</small>	حج: ۱۱	حَسِبَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ
۳۴۵	خطبه امام حسین خطاب به کوفیان	نور: ۴۰	ظَلَمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ
۹۹	سفارش پیامبر به مدارا با مخالفان	فرقان: ۶۳	وَ إِذَا خَاطَبْتَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا
۴۴۵	گریه برای قیامت	شعراء: ۸۸	يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُونَ
۴۵۷	قرآن خواندن سر امام حسین <small>علیه السلام</small>	شعراء: ۲۲۷	وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ
۴۷۸	سخن امام سجاد <small>علیه السلام</small> به یزید	شعراء: ۲۲۷	وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ
۲۵۷	خروج امام حسین از مدینه	قصص: ۲۱	فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً الطَّالِبِينَ
۲۵۸	ورود به مکه	قصص: ۲۲	وَ لَمَّا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَىٰ رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ
۳۲۰	سخن حضرت علی اکبر	قصص: ۸۸	كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ
۳۷۸	سخن سمعان	روم: ۱۹	يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ
۱۲۶	بی اعتباری دنیا و مرگ	سجده: ۱۱	قُلْ يَتُوفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ



۱۵۸ و ۲۵۱ و ۴۵۵ و ۴۷۱	حدیث کساء و جایگاه اهل بیت و سخن امام سجاد با پیرمرد شامی	احزاب: ۳۳	إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا
۱۲۵	حضرت محمد ﷺ	احزاب: ۴۰	وَ لَكِنَّ رَسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ
۴۷۸	سخن ام کلثوم به یزید	احزاب: ۷۳	بُعِدَّتِ الْمُنَافِقِينَ وَ الْمُنَافِقَاتِ
۲۳۴	زخم خوردن امام حسن ﷺ	فاطر: ۴۳	لَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ
۴۶	حضرت ابراهیم ﷺ	صافات: ۱۰۲	يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ
۱۰۶	حضرت ابراهیم ﷺ	صافات: ۱۰۶	إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ
۲۴۰	وصیت امام حسن ﷺ	ص: ۲۵	وَ إِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَى وَ حَسَنَ مَآبٍ
۴۲۳	سخن حضرت علی اکبر با امام حسین ﷺ	ص: ۵۰	جَنَاتٍ عَدْنٍ مُفْتَحَةً لَهُمْ الْأَبْوَابُ
۴۵	حضرت ابراهیم	ص: ۸۷	وَ إِنَّ عَلَيْكَ لَعَنَتِي
۳۲۶	پیشگوی حضرت علی	زمر: ۱۰	إِنَّمَا بُوقِيَ الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ
۵۵	داستان یوسف نبی ﷺ	زمر: ۳۸	حَسْبِيَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ
۱۲۵	بی اعتباری دنیا	زمر: ۴۰	إِنَّكَ مَيِّتٌ وَ إِنَّهُمْ مَبِئُوتٌ
۳۶۲	شهادت وهب بن عبدالله	غافر: ۴۰	وَ صُورَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ
۴۷۲	سخن امام سجاد ﷺ با پیرمرد شامی	شوری: ۲۳	قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى
۱۰۸	جزای کفار	دخان: ۴۳	إِنَّ شَجَرَةَ الزُّقُومِ طَعَامُ الْأَيْمِ
۹۴	سفارش پیامبر اسلام به صبر	احقاف: ۳۵	فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولَاؤُا الْعِزْمِ
۳۵۹	بعد از شهادت زهیر بن قین	حجرات: ۴۹	فَقَاتِلُوا آلِي بَنِي نَدِيٍّ
۲۶۸	توصیف مسلم بن عقیل	طور: ۴۸	وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا
۱۸۹	تولد حضرت علی ﷺ	نجم: ۳	وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى
۴۸۲	خطبه امام سجاد ﷺ	نجم: ۵	عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى
۴۸۲	خطبه امام سجاد ﷺ	نجم: ۹	فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى

۴۸۲	خطبه امام سجاد <small>علیه السلام</small>	نجم: ۱۰	فَأَوْحَىٰ إِلَيَّ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ
۳۶	شکوه ی حضرت نوح <small>علیه السلام</small>	قمر: ۱۰	رَّبِّهِ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ
۱۳۴ و ۵۲	تفسیر به امام حسن و امام حسین <small>علیه السلام</small>	الرحمن: ۲۳	يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّؤْلُؤُ وَ الْمَرْجَانُ
۱۲۵	بی اعتباری دنیا	الرحمن: ۲۶	كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ
۴۷۸	سخن ام کلثوم به یزید	منافقون: ۱	إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ
۱۹۸	انفاق حضرت علی <small>علیه السلام</small>	انسان: ۳	وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مَشْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا
۲۱۵	شهادت حضرت علی <small>علیه السلام</small>	تکویر: ۱۸	وَ الصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ
۱۸۴ و ۳۷۳ و ۳۸۶	شهادت حضرت فاطمه (س) و سخن هلال بن نافع و غلام ترک	فجر: ۲۸	إِزْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ
۱۲۹	خبر از رحلت پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>	ضحی	وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ
۳۶۲	شهادت وهب بن عبدالله	تین: ۴	فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ
۲۲۷	حکومت بنی امیه	قدر: ۱	إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ
۲۲۸	بنی امیه بر فراز منبر پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>	کوثر: ۱	إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ
۱۲۹	نزول در عرفه و خبر رحلت پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>	نصر: ۱	إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتابنامہ

قرآن کریم

- ابن ابی حاتم رازی، عبدالرحمن (۱۴۲۴)، *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق، اسعد محمد الطیب، بیروت: دار الفکر.
- ابن ابی شیبہ، عبداللہ (۱۴۰۹)، *المصنف فی الاحادیث و الآثار*، تحقیق سعید اللحام، بیروت: دار الفکر.
- ابن اثیر، علی (۱۳۸۶ق)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دار صادر.
- ابن اعثم، احمد (۱۴۱۱ق)، *الفتوح*، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالاضواء.
- ابن بطریق، یحییٰ بن حسن (۱۴۰۷)، *عمدة عیون صحاح الاخبار فی مناقب امام الابرار*، قم: النشر الاسلامی.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۱۲ق)، *المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک*، تحقیق محمد عبدالقادر مصطفی عبدالقادر، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن حاتم، یوسف (بی تا)، *الدر النظیم*، قم: موسسة النشر الاسلامی.
- ابن حمزہ طوسی، محمد (۱۴۱۲ق)، *الثاقب فی المناقب*، تحقیق، نبیل رضا، قم: موسسة الانصاریان.
- ابن حنبل، احمد (بی تا)، *مسند احمد*، بیروت: دار صادر.
- ابن سلیمان کوفی، محمد (۱۴۱۲)، *مناقب الامام امیر المؤمنین*، تحقیق محمد باقر محمودی، قم: مجمع احیاء الثقافہ.
- ابن عساکر، علی (۱۴۱۵)، *تاریخ مدینہ دمشق*، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالفکر.
- ابن مغالزی، علی (۱۴۲۶)، *مناقب علی بن ابی طالب*، بی جا: انتشارات سبط النبی.
- ابومخنف، لوط بن یحییٰ (۱۳۶۴ش)، *مقتل الحسین*، تحقیق حسن غفاری، قم: موسسة النشر الاسلامی، چاپ دوم.
- اربلی، علی (۱۳۸۱ق)، *کشف الغمہ فی معرفۃ الأئمۃ*، تبریز: مکتبہ بنی ہاشم.
- افندی، عبداللہ بن عیسیٰ بیگ (۱۳۸۹)، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، مترجم محمدباقر سعادی خراسانی، مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ دوم.
- امینی زادہ، علی و محمد علی رنجبر (۱۳۹۶)، «واکاوی اندیشہ سیاسی - مذہبی ملاحسین واعظ کاشفی (۹۱۵-۸۲۰ق)»، *پژوہش های تاریخی*، زمستان ۱۳۹۶ش، شماره ۳۶.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱)، *صحیح بخاری*، بیروت: دار الفکر.
- بیہقی، احمد بن حسین (بی تا)، *السنن الکبریٰ*، بی جا: دار الفکر.
- ترمذی، محمد (۱۴۰۳)، *سنن الترمذی*، تحقیق عبدالرحمن محمد عثمان، بیروت: دارالفکر، چاپ دوم.
- ثعلبی (۱۴۲۲)، *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، تحقیق، ابی محمد بن عاشور، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جصاص، احمد (۱۴۱۵)، *احکام القرآن*، تحقیق عبدالسلام محمد علی شاہین، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۷)، *ملاحسین واعظ کاشفی و کتاب روضۃ الشهداء، مقالات تاریخی* (دفتر اول و دوم)، تہران: دلیل ما.
- حاکم نیشابوری، ابو عبداللہ (بی تا)، *المستدرک علی الصحیحین*، تحقیق یوسف عبدالرحمن، بیروت: دار المعرفة.
- حمیدی، عبداللہ (۱۴۰۹)، *مسند حمیدی*، تحقیق حبیب الرحمن اعظمی، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- خطیب بغدادی، احمد (۱۴۱۷)، *تاریخ بغداد او مدینۃ السلام*، تحقیق مصطفی عبدالقادر، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- دولابی، محمد بن احمد (۱۴۰۷)، *الذریۃ الطاہرۃ النبویۃ*، تحقیق سعد مبارک حسن، کویت: الدار السلفیة.
- راغب اصفہانی (۱۴۲۶)، *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بی جا: طلیعہ النور.
- راوندی، قطب الدین (۱۴۰۹)، *الخراج و الجرائح*، تحقیق موسسة الإمام المہدی، قم: موسسة الإمام المہدی.

- رفعت، محسن و دیگران (۱۳۹۸)، «بررسی و نقد روایت‌انگاره‌ها و گزاره‌های متفرد عاشورایی در روضه الشهداء کاشفی»، *شبیعه پژوهی*، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، شماره ۱۷.
- رویمر، هانس روبرت (۱۳۸۰)، *ایران در راه عصر جدید: تاریخ ایران از ۱۳۵۰ تا ۱۷۵۰*، مترجم آذر آهنچی، تهران: دانشگاه تهران.
- سمعانی، عبدالکریم (۱۴۰۸ق)، *الانساب*، بیروت: دار الجنان.
- سمعانی، منصور (۱۴۱۸)، *تفسیر سمعانی*، تحقیق یاسر بن ابراهیم و غنیم بن عباس، الرياض: دار الوطن.
- سیوطی، جلال الدین (بی تا)، *الدر المنثور فی التفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفة.
- شوشتری، نورالله (۱۳۶۵)، *مجالس المؤمنین*، تهران: انتشارات اسلامیه.
- شیخ صدوق، محمد (۱۴۱۷)، *الامالی*، قم: موسسه البعثة.
- شیخ طوسی، محمد (۱۴۰۹)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق احمد حبیب قصیر عاملی، بی جا: مکتب الاعلام الاسلامی.
- شیخ مفید، محمد (۱۴۲۴)، *تفسیر القرآن المجید*، المستخرج، محمدعلی ایازی، قم: بوستان کتاب.
- صالحی شامی، محمدبن یوسف (۱۴۱۴ق)، *سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد*، تحقیق عادل احمد، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- طپالسی، سلیمان بن داود (بی تا)، *مسند ابی داود الطپالسی*، بیروت: دار المعرفة.
- قتال نیشابوری (بی تا)، محمد، *روضه الواعظین*، قم: منشورات الرضی.
- فرات کوفی (۱۴۱۰)، *تفسیر فرات کوفی*، تحقیق، محمدکاظم، طهران، : موسسه الطبع و النشر التابعة لوزارة الثقافة.
- قمی، علی ابراهیم (۱۳۸۷)، *تفسیر قمی*، تعلیق، طیب الموسوی الجزائری، مطبعة النجف: بی جا.
- کاشفی، حسین (۱۳۵۰)، *فتوت‌نامه سلطانی*، به اهتمام محمدجعفر محجوب؛ تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- _____ (۱۳۶۲)، *الرساله العلیه فی الاحادیث النبویه (شرح چهل حدیث نبوی)*، مصحح جلال الدین محدث، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- _____ (۱۳۷۹)، *جواهر التفسیر*، تحقیق جواد عباسی تهران: دفتر نشر میراث مکتوب.
- _____ (۱۳۸۲)، *روضه الشهداء*، قم: دفتر نشر نوید اسلام.
- کاشفی، فخرالدین علی (۱۳۶۵)، *رشحات عین الحیات*، به تصحیح علی‌اصغر معینیان، تهران: بنیاد نیکوکاری نوریانی.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۳)، *اصول الکافی*، تعلیق علی اکبر غفاری، بی جا: دارالکتب الاسلامیه.
- گوهری فخرآباد، مصطفی (۱۳۹۹ش)، *زمانه، زندگی، و کارنامه ملا حسین کاشفی*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- مسلم نیشابوری، (بی تا)، *صحیح مسلم*، بیروت: دار الفکر.
- مغربی، نعمان بن محمد (بی تا)، *شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار*، تحقیق محمد حسینی جلالی، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- مناوی، محمد عبدالرووف (۱۴۱۵ق)، *فیض القدیر، شرح الجامع الصغیر من احادیث البشیر النذیر*، تصحیح احمد عبدالسلام، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- منشی قزوینی، بوداق (۱۳۷۹)، *جواهر الاخبار*، تصحیح محسن بهرام نژاد، تهران: مرکز نشر میراث مکتوب.
- نسائی، احمدبن شعیب (۱۴۱۱)، *السنن الکبری*، تحقیق عبدالغفار سلیمان، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- نظامی باخرزی، عبدالواسع بن جمال الدین (۱۳۸۳)، *مقامات جامی*، تهران: نشر نی.
- نفسی، عبدالله (بی تا)، *مدارک التنزیل و حقائق التاویل*، بی جا: بی نا.
- واحدی نیشابوری (۱۳۸۸)، علی بن احمد، *اسباب نزول الآیات*، قاهره: موسسه الحلبي و شرکاه.